

## ضرورت تشکیل حکومت اسلامی



1 - تشکیل حکومت و نظام برای حفظ اجتماع و جلوگیری از هرج و مرج طبق نظر جامعه شناسان و عقلای عالم ضروری و از بدیهیات عقلی است.

این خلدون در این باره می گوید: اگر یک اجتماع و جامعه ای فاقد نظام و حکومت باشد، استقرار و ثبات نخواهد داشت . و از قدرت و تسلط بر خوردار نخواهد بود و امور آن پیش نخواهد رفت. (مقدمه ابن خلدون، ج2، ص576، فصل 25؛ فی معنی الخلافة والامامة)

این حزم تشکیل حکومت اسلامی و نظام سیاسی اسلام را از ضروریات و بدیهیات عقل شمرده است. (الفصل فی الملل و الأهواء والنحل، ج4، ص87)

بنابراین تشکیل حکومت و وجود یک نظام مشخص برای هر اجتماعی لازم و ضروری است، تنها مخالفان آن، هرج و مرج طلبان هستند. آنها معتقدند انسان می تواند با قوانین اخلاقی و انسانی زندگی فردی و اجتماعی خود را اداره کند و نیازی به حاکم و حکومت خاصی نیست.

لکن بطران این حرف با توجه به مطالعه جوامع بشری در زمانها و مکانهای مختلف بسیار واضح و ضروری است و نیازی به دلیل ندارد. زیرا در همه زمانها یک عده افرادی هستند که پای بند به قوانین اخلاقی و انسانی نیستند و دوست دارند به دیگران زور گفته و اموال آنها را چپاول و غارت کنند، وقتی حکومتی قوی و قدرتمند حاکم نباشد، چطور می توان در مقابل این افراد بایستد و نظم، آرامش ، و برخورداری از حقوق طبیعی و انسانی را برای جامعه فراهم کند. از این رو نمی توان جامعه ای را همچون گله ای بی چوپان رها کرد تا هر کسی به اراده و مصلحت خویش هرکاری خواست انجام دهد. زیرا اختلاف نظرها و سلیقه ها زیاد است و باب تراحم و تضاد باز خواهد شد که در بسیاری از موارد منجر به جدال و نزاع خواهد شد که برای حل نزاع و درگیریها الزاماً به قوانین و مقرراتی نیاز است که همه افراد در برابر آن خاضع و مطیع باشند.

به همین دلیل امام علی(ع) در یکی از خطبه هایش در ردّ کلام خوارج می فرماید: «هؤلاء یقولون - لا إمره إلا لله - وانه لابد للناس من امیر بر او فاجر یعمل فی امرته المؤمن ویستمع فیها الکافر». (نهج البلاغ، خطبة 41 و السنن الکبری، ج8، ص184)

هیثمی در کتاب خود مجمع الزوائد روایتی را از عبدالله بن مسعود نقل می کند که ابن مسعود می گوید: «انی سمعت رسول الله(ص) یقول: لابد للناس من إمارة برة أو فاجرة فاما البرة فتعدل فی القسمة و تقسم فیئکم بالیسویة واما الفاجرة فیتلئ فیها المؤمن و الامارة الفاجرة خیر من الهرج». (مجمع الزوائد، ج5، ص221 و المعجم للطبرانی، ج10، ص132)

2- طبق نص قرآن کریم پیامبر اسلام(ص) در تبلیغ و اجراء رسالت خویش مأمور به «بلاغ مبین» است؛ وَمَا عَلَی الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِینُ، (سوره نور، آیه 54) او مأموریت دارد که رسالت خویش را که دعوت به توحید و یکتاپرستی و نفی شرک و بت پرستی است با فریادی رسا و آشکار تبلیغ کند و به گوش همه برساند و این کار جز با تشکیل حکومت و ایجاد یک نظام مقتدر میسر نخواهد بود، زیرا:

از آیات قرآن بدست می آید که در همه زمانها عده ای مخالف در برابر پیامبران صف کشیده و تمام تلاش و همت خود را بر سدّ راه آنان بکار گرفته تا صدای دعوت پیامبران به گوش سایر مردم و مستضعفان نرسد و در این راه از هیچ دسیسه و فتنه ای حتی در قالب جنگ دریغ نورزیدند. چون این گروه که در قرآن کریم از آنان به عنوان «استکبار» تعبیر شده است - و جود پیامبران الهی را مزاحم غارتگری و چپاول خویش دانسته و منابع مادی و دنیایی خود را در خطر می دیدند از این رو با پیامبران می جنگیدند - بنابراین تشکیل حکومت و ایجاد یک نظام مقتدر هم به جهت اجرا و گسترش برنامه های اسلام و قرآن و هم به منظور مقابله و مبارزه با معاندین، مشرکین و مستکبران عالم امری بدیهی و از ضروریات است، چون در صورت عدم وجود حکومت مقتدر، موفق به انجام رسالت خویش نخواهد شد و مسلمانان نیز توسط زورگویان و مستکبران مورد ظلم و استضعاف قرار خواهند گرفت و به همین جهت است که پیامبر اسلام در همان سالهای اول هجرت با داشتن افراد و انصاری همچون، علی بن ابیطالب، اباذر، مقداد، سلمان، حذیفه بن یمان، عبدالله بن مسعود و بلال حبشی و... در مدینه حکومت تشکیل داد و با داشتن چنین حکومتی توانست در مقابل دسیسه ها و فتنه های منافقان داخلی و مشرکین و کفار خارجی در برابر جنگهای متعددی که ایجاد کردند پیروز شود و اسلام را در نواحی مختلفی گسترش دهد. و اگر نبود چنین حکومت و نظام مقتدری، در همان سالهای اول هجرت، نطفه اسلام در مدینه خفه می شد و امروز خبری از اسلام و قرآن نبود.

3 - تشکیل حکومت و ایجاد یک نظام قدرتمند و مقتدر در تمام ابعاد از رئوس برنامه های اسلام و قرآن و مورد اتفاق همه مسلمانان است، زیرا:

عدم تشکیل حکومت و نظام مقتدر منجر به تفرقه و تشتت و ضعف مسلمانان شده، در نتیجه ظالمان و مستکبران، مسلمانان را تحت سیطره ظلم و چپاول خود قرار

داده‌اند، درحالی که یکی از اهداف و برنامه‌های مهم اسلام و قرآن نفی این سلطه و سیطره است، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: (وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُمُ النَّارُ) (سوره هود، آیه 113) یا در آیه دیگری می‌فرماید: (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) (سوره نساء، آیه 141)

و به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) نگران حکومت نوپای اسلام که با فداکاری و جان نثاری سربازان رشید اسلام و تحمل سختیها و مرارتها و تبعیدها شکل گرفته است - می باشد - از این‌رو در مناسبات متعددی و بالاخره به طور رسمی در روز غدیر در میان جمعیت یک‌صد هزار نفری امام و رهبر حکومت اسلامی و خلیفه خدا بعد از خود را معرفی می‌کند.

با توجه به مطالب گذشته بدیهی و روشن است که هیچ جامعه و اجتماعی بدون حاکم و امیر نمی‌تواند باشد، خواه حاکم جور و ظالم و یا حاکم عدل و صالح، حال سؤال این است: اگر امر دائر شد بین حاکم صالح عادل و حاکم جائز ظالم، عقل سلیم به حاکمیت و ولایت انسان صالح و عادل حکم می‌کند، و اگر در میان انسان‌های صالح و عادل امر دائر شد بین انسان آگاه و آشنا به مبانى، ارزش‌ها و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام و نیز سیاست‌های مقابله و مبارزه با معاندان و مستکبران که از متن قرآن و سنت پیامبر قابل استخراج است. و انسان صالح و شایسته‌ای که در این امور هیچ تخصص و تسلط کامل ندارد، شما به عنوان یک شیعه و یک انسان عاقل، امور مسلمانان و جامعه اسلامی را بدست کدام یک از آن دو می‌سپارید؟

به عقیده شیعه «ولایت فقیه» ادامه حکومت اسلامی است که پیامبر اکرم(ص) آن را در مدینه تأسیس نموده و اصول، مبانى و راهکارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بین المللی آن را ترسیم نمود.

و بعد از آن در زمان حکومت و خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام زوایا و ابعاد آن نمود بیشتری پیدا کرده و بعدها در زمان سایر ائمه علیهم السلام اگرچه به سبب فراهم نبودن اوضاع و نداشتن اصحاب و انصار نتوانستند در رأس حکومت قرار گیرند اما باروشنگریها و مبارزه منفی نگذاشتند اصول و مبانى اسلام فراموش شود و اگر هر زمان این حساس می‌شد که اصول و مبانى اسلام در حال از بین رفتن است و یک حاکم فاسق و ظالمی روی کار است که می‌خواهد قرآن و ارزشهای آن را از بین ببرد با تمام وجود و امکانات در مقابل آن قد علم کرده اند، قیام عاشورا و نهضت امام حسین(ع) نمونه بارز آن است و... امامان بعدی با همه دشمنیهایی که در حق آنان شده از امور مسلمین و جامعه اسلامی غافل نبودند و درست بخاطر همین توجهات و عنایات به امور مسلمین و جامعه اسلامی بود که در گوشه زندان و یا تبعید بسر بردند و سر انجام بوسیله زهر مسموم و شهید می‌شدند و الآن که در عصر غیبت امام معصوم(ع) به سر می‌بریم، چه کسی باید در رأس یک امت عظیم اسلامی و جامعه مسلمانان قرار گیرد تا بتواند اصول و ارزشهای اسلام و قرآن را حفظ کند و در مقابل ظالمان و مستکبران عالم ذره ای کوتاه نیاید و در مقابل جنایات بی رحمانه و بی‌شرمانه صهیونیست‌ها (جلادان غزه) ساکت ننشیند و به ندای «یا للمسلمین» کودکان و زنان بی‌گناه فلسطین به ویژه غزه پاسخ دهد. که به فرموده صریح پیامبر عظیم الشان اسلام هر کس در مقابل این استغاثه و ناله های کودکان و زنان بی‌گناه مسلمانان فلسطین ساکت بنشیند او قطعاً مسلمان نیست. «من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس مسلم» (الكافی ج2، باب الاهتمام بامور المسلمین، حدیث 5)

جابسی شرمساری و مایه ننگ و عار است که برخی از گروهها و کشورهای اسلامی علیه شیعه و کشور جمهوری اسلامی ایران این همه هجمه و بیانیه صادر کردند اما یک بیانیه علیه ظالمان و جنایتکاران خون آشام غزه صادر نکردند و این شرمساری را به کجا خواهند برد حاکمان و برخی از کشورهای اسلامی که مرز خود را به منظور جلوگیری از کمک سایر ملتهای مسلمان به فلسطینیان مظلوم می‌بندند. آیا این کار غیر از کمک به ظلم و ظالمان، اسم دیگری دارد؟

حکومت جمهوری اسلام ایران که در رأس آنان یک فقیه کارشناس و متخصص در مسائل دینی و مبانى اسلامی قرار دارد نه به این معناست که خودش در تمام امور و مسائل اجتماعی و اقتصادی تخصص دارد و خبره است. بلکه مشاورین و وکلاء متخصص در زمینه های مختلف دارد و همچنین نیروهای توانمند و درارای تخصص کافی و لازم را در امور مختلف جهت تأمین رفاه و خدمات به مسلمانان و نیز توسعه و پیشرفت حکومت اسلامی در تمام زمینه ها بکار می‌گمارد که به حول و قوه الهی علی‌رغم همه مشکلات و بدخواهیها، با توجه به جنگ تحمیلی هشت ساله و فتنه ها و تحریمهای اقتصادی برخی از کشورهای غربی در رأس آن آمریکا - توانسته است بر همه مشکلات داخل و خارج فائق آمده امروز به عنوان یک نظام و حکومت مقتدر در عرصه بین المللی ظاهر شود که حتی دشمنان و در رأس آنان آمریکا و اسرائیل بارها به عجز خود در مقابل قدرت جمهوری اسلامی ایران اعتراف کرده و نقشه های شیطانی خود را شکست خورده تلقی کنند. و این همه اقتدار و پیروزی به برکت حاکمیت اسلام و ولایت فقیهی است که الهام گرفته از حکومت نبوی (ص) و حکومت علوی(ع) است و نیز به همت و فداکاری مردم مؤمن و عاشق اهل بیت علیهم السلام است که علی رغم همه مشکلات اقتصادی و... با جان و دل از مبانى و ارزشهای اسلام دفاع کرده و می‌کنند که این سبب شده سایر کشورها و ملتهای اسلامی با درس گرفتن از حکومت جمهوری اسلامی ایران قدرت و هویت اسلامی خود را در مقابل زورگویان و استکبار جهانی باز یابند و تمام مسلمانان در سراسر عالم با اتحاد و همدلی اسلامی با حاکمیت قرآن و سنت پیامبر(ص) با رهبری واحد، بزودی شاهد اضمحلال و نابودی استکبار جنایتکار - آمریکا و اسرائیل باشیم.

منبع: اینا